

بسمه تعالی

عنوان درس:	درس خارج فقه الصلاة	سال تحصیلی: ۱۳۹۹-۱۴۰۰	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۷/۱۴
عنوان فرعی ۱	فقه الصلاة			
عنوان فرعی ۲	جلسه چهاردهم			
عنوان فرعی ۳	بررسی روایات طائفه دوم			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین اصغر حیدری و سجاد آریس			

حد تقصیر:

بررسی طائفه دوم از روایات حد تقصیر:

خلاصه مطالب گذشته

ما ادامه بحث درباره ی مراسیل و مسانید را به بعد از تعطیلات موکول می کنیم تا این اینکه قبل از تعطیلات بحث روایات طائفه دوم را به پایان برسانیم.

در جلسات گذشته بیان کردیم که بحث ما در مساله حد تقصیر ابتدا در رابطه با روایاتی که در باب حد تقصیر وارد شده است می باشد .

طائفه اول از این روایات را در جلسات قبل بررسی کردیم در طائفه ی اول حد مکانی ثمانیه فرسخ را معیار برای وجوب تقصیر بیان کرده بودند.

در ادامه به طائفه ی دوم پرداخته شد که این طائفه حد مکانی اربعه فرسخ یا برید را به عنوان حد مکانی برای وجوب تقصیر بیان کرده بودند که در جلسات قبل ما تعداد نه روایت از این روایات را بحث کردیم.

روایت دهم

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (احمد بن محمد بن عیسی) عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي كَمْ أَقْصَرُ الصَّلَاةَ فَقَالَ فِي بَرِيدٍ أَلَا تَرَى أَنَّ أَهْلَ مَكَّةَ - إِذَا خَرَجُوا إِلَى عَرَفَةَ كَانَ عَلَيْهِمُ التَّقْصِيرُ.^۱

مسافت عرفه تا مکه ۴ فرسخ است، البته باید دید که اگر مکی عرفی باشد از این مقدار کمتر میشود یا خیر؟ ولی در آن روزگار ۴ فرسخ فاصله بوده است.

۱: وسائل الشیعه، جزء ۸ ابواب صلاه مسافر باب ۳ حدیث ۵ ص ۴۶۵

بررسی سند روایت

مراد از ابی جعفر در این روایت همان احمد بن محمد بن عیسی است. و سند روایت نیز تام است.

بررسی دلالت روایت

ظهور روایت در این است که حد تقصیر یک برید است. و دلالت روایت بر معیار مذکور تام است.

روایت یازدهم

وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي كِمِ التَّقْصِيرِ فَقَالَ فِي بَرِيدٍ وَيَحْتُمُّ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَحْجُوا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَصَرُوا.^۲

بررسی سند روایت

روایت از حیث سندی تام است و اسناد شیخ به سعد اسناد صحیحی است.

بررسی دلالت روایت

دلالت روایت بر معیار بودن برید تام است.

دو روایت دیگر (صحیحه معاویه بن عمار و صحیحه حلبی) نیز داریم که در این دو روایت تصریح شده است.

۲: همان حدیث ۶

روایت دوازدهم

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ إِذَا زَارُوا الْبَيْتَ - وَدَخَلُوا مَنَازِلَهُمْ أَتَمُّوا وَإِذَا لَمْ يَدْخُلُوا مَنَازِلَهُمْ قَصَرُوا.^۳

سند و دلالت روایت بر مدعی تام است.

روایت سیزدهم

وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ إِذَا خَرَجُوا حُجَّاجًا قَصَرُوا وَإِذَا زَارُوا رَجَعُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ أَتَمُّوا.^۴

سند و دلالت روایت بر مدعی تمام است. و ظاهر این روایت این است که این سنت تا آخر برای اهل مکه ادامه داشته است.

تا اینجا ۱۳ روایت بیان شد که حد تقصیر را یک برید عنوان کرده بودند.

حال سوال این است که آیا تعارضی بین این روایات (طائفه اول و طائفه دوم) هست یا خیر؟

در جواب می گوئیم که ظهور روایات طائفه اول در این بود که ملاک در حد تقصیر بریدان یا همان ۸ فرسخ است؛ و ظهور روایات طائفه دوم در این است که ملاک در حد تقصیر برید است. عرض ما این است که بین

۳: همان، حدیث ۷

۴ - فی المصدر زیادة - و.

۵: وسائل الشیعه، جزء ۸ ابواب صلاه مسافر باب ۳ حدیث ۸

این روایات تعارضی وجود ندارد چون شاهد جمع داریم و روایات دیگری داریم که این روایات تصریح دارند بر اینکه ما گفتیم بریدان یا ۸ فرسخ؛ مراد ما از آن بیان؛ ۴ فرسخ رفتن و ۴ فرسخ برگشتن است. لذا با این روایات که می گویند حد تقصیر برید است یعنی ۴ فرسخ برود و ۴ فرسخ برگردد و اگر مسافت تا برید است باید تقصیر کند چون مجموع رفت و برگشت ۸ فرسخ است.

روایات دالّه بر این مطلب زیاد است که ما به تعدادی از این روایات اشاره می کنیم.

روایت اول شاهد بر جمع

صحیحہ معاویہ بن وهب

سَعْدُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَذْنَى مَا يَقْصَرُ فِيهِ الْمُسَافِرُ فَقَالَ بَرِيدٌ ذَاهِباً وَبَرِيدٌ جَائِئاً.^۶

روایت تفسیری است برای روایات بریدین و برید که اگر گفته شده در بریدین؛ مراد برید رفت و برید برگشت است و اگر گفته شده برید هم مراد برید رفت و برید برگشت است.

شاهدش این است که آن روایات برید در مثل اهل مکه (که می خواهند بروند به عرفه و برمیگردند) و امثال اینها وارد شده است. یعنی تطبیق روایات برید بر مواردی است که رفت و برگشت باشد. لذا این روایات می توانند وجه جمع بین این دو طائفه باشند.

روایت دوم شاهد بر جمع:

صحیحہ محمد بن مسلم

۶: تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۰۸

و بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ (برادر علی بن حسن) عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رَبَاطٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّقْصِيرِ قَالَ فِي بَرِيدٍ قَالَ قُلْتُ: بَرِيدٌ قَالَ إِنَّهُ إِذَا ذَهَبَ بَرِيداً وَرَجَعَ بَرِيداً فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ.^۷

همین که سائل می گوید برید (چون این شخص ؛ شنیده بوده که معیار بریدین است سوال کرد "برید") معلوم است که سوال استفهامی ایشان نظر به روایات بریدین دارد . در این روایت اشاره ای به روایات بیاض یوم هم دارد که اون بریدانی که مسیره یوم باشد معیار است . و حضرت هم بریدان را تفسیر کرده است که برید ذاهبا و برید جائیا و هم اینکه این برید ذاهبا و برید جائیا همان مسیره یوم است . چون این اشکال در مسیره یوم هم می آید که اگر برید مسافت باشد که برید مسیره یوم نیست و لذا حضرت می فرماید که برید رفت و برید برگشت همان مسیره یوم است .

روایت سوم شاهد بر جمع :

صحیح زراره

خَبَرُ جَمِيلٍ بِنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ بِنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ التَّقْصِيرِ فَقَالَ بَرِيدٌ ذَاهِبٌ وَ بَرِيدٌ جَائِي وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَتَى ذُبَاباً^۸ قَصَّرَ.^۹ وَ ذُبَابٌ عَلَى بَرِيدٍ وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ إِذَا رَجَعَ كَانَ سَفَرُهُ بَرِيدَيْنِ ثَمَانِيَةَ فَرَسَخٍ^{۱۰}

۷: وسائل ج ۸ ص ۴۵۹

۸. أي روضات الذباب؛ و أمّا ذباب بكسر أوله: فجبل بالمدينة.

۹: الفقيه، ج ۱ ص ۴۴۹

این روایت هم تایید این مطلب است که روایات بریدین و روایات برید با هم تنافی ندارند و هر دو یک مطلب را می گویند چون روایات برید؛ نظرشان به مسافت رفت برای کسی است که قصد بازگشت را دارد .

روایت چهارم شاهد بر جمع :

روایت فضل بن شاذان

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ وَاسٍ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ بَنِيْسَابُورَ فِي شَعْبَانَ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّيْسَابُورِيُّ وَ حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ نُعَيْمٍ بْنُ شَاذَانَ عَنْ عَمِّهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ شَاذَانَ قَالَ قَالَ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ... قَالَ لَمْ وَجَبَتِ الْجُمُعَةُ عَلَى مَنْ يَكُونُ عَلَى فَرَسَخَيْنِ لَا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ قِيلَ لِأَنَّ مَا يُقَصَّرُ فِيهِ الصَّلَاةُ بِرِيدَانٍ ذَاهِبٍ [ذَاهِبًا] أَوْ بِرِيدٍ ذَاهِبٍ^{۱۱} [ذَاهِبًا] وَ جَانِي [جَانِيًا] وَ الْبَرِيدُ أَرْبَعَةُ فَرَسَخٍ فَوَجَبَتِ الْجُمُعَةُ عَلَى مَنْ هُوَ عَلَى نَصْفِ الْبَرِيدِ الَّذِي يَجِبُ فِيهِ التَّقْصِيرُ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يَجِيءُ عَلَى فَرَسَخَيْنِ وَ يَذْهَبُ فَرَسَخَيْنِ فَذَلِكَ أَرْبَعَةُ فَرَسَخٍ وَ هُوَ نِصْفُ طَرِيقِ الْمُسَافِرِ...^{۱۲}

اگر ما می گوئیم بریدان یعنی به لحاظ رفت و برگشت می گوئیم بریدان و لذا برید هم به لحاظ اینکه مسافت رفت شخص مسافر است گفته شده است و از تعبیر " او " معلوم می شود که هر دو در نظر شارع یکی است و بیان فرق می کند.

۱۰. اذا كان قوله «وكان رسول الله صلى الله عليه وآله» داخلا في خبر زرارة يكون صريحا في المطلوب و لكنه محتمل لان يكون من كلام الصدوق على أنه يمكن أن يكون المراد رجوعه قبل العشرة كما ذكرناه سابقا (م ت) أقول: كونه من تنمة خبر زرارة ظاهر و يمكن أن يكون خبرا برأسه و الا لا يستقيم احتجاج المؤلف - رحمه الله - مع أنه آورده احتجاجا.

۱۱؛ و في العلل: «بريدان ذاهبا أو برید ذاهبا و جانيا».

۱۲: وسائل الشیعه، ابواب صلاه مسافر باب ۳ حدیث ۱۱

نتیجه بررسی روایات طائفه اول و دوم

بنابراین ما از مجموع احادیث دو طائفه این گونه استفاده می کنیم که تعارضی بین مجموعه این دو طائفه وجود ندارد و طائفه ای که می فرمود حد تقصیر ۸ فرسخ است نظر به این دارد که ۴ فرسخ رفت باشد و ۴ فرسخ برگشت باشد . طائفه ای که می فرمود حد تقصیر ۴ فرسخ است نظر به مسافت امتدادی رفت دارد.

ما از مجموع دو طائفه استفاده می کنیم که حد مکانی ۸ فرسخ معیار تقصیر است . و برای کسی که قصد رفت و برگشت داشته باشد همان ۴ فرسخ معیار است و برای کسی که قصد برگشت را نداشته باشد معیار ۸ فرسخ است.

ادامه بحث در رابطه با طائفه سوم و همچنین بحث مشایخ ثقات را ان شاء الله بعد از تعطیلات بررسی می کنیم

و السلام علیکم و رحمه الله»